

اثرات یکپارچگی منطقه‌ای و جهانی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس

سیدکمیل طیبی*، بتول رفعت**، الهام ناقلی⁺، بهروز صادقی عمروآبادی^x

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۲

چکیده

در فرایند جهانی شدن روابط تجاری و سرمایه‌گذاری بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در قالب یکپارچگی‌های منطقه‌ای و جهانی گسترش یافته که اثرات متفاوتی در مناطق مختلف جهان حاصل شده است. هدف مقاله حاضر بررسی تاثیر یکپارچگی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس بوده که عمدتاً نفت خیز هستند. بدین لحاظ یک الگوی اقتصادسنجی سرمایه‌گذاری خارجی در محیط داده‌های تابلویی تصریح شده است که در برآورد آن از داده‌های اقتصادی این کشورها طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۱ استفاده شده است. نتایج تجربی نشان می‌دهند که یکپارچگی‌های منطقه‌ای سبب افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس می‌شود. همچنین نتایج حاکی از اثرگذاری منفی تفاوت‌های فرهنگی و زبانی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورهای حوزه

خلیج فارس

طبقه بندی JEL: F23, F13

*استاد دانشگاه اصفهان، گروه اقتصاد، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: Komail@econ.ui.ac.ir

**استادیار دانشگاه اصفهان، گروه اقتصاد، اصفهان، ایران، پست الکترونیکی: monir_rafat@yahoo.com

⁺ کارشناسی ارشد اقتصاد، پست الکترونیکی: nagheli.elham@gmail.com

^x دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان، پست الکترونیکی: sadeghi.behruz@gmail.com

از آنجا که سرمایه‌موتور رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود و کشورهای درحال توسعه معمولاً با کمبود سرمایه مواجه هستند، توجه به عوامل جذب سرمایه از مهم‌ترین نیازهای سیاست‌گذاران محسوب می‌شود. با توجه به این که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از روش‌های عمده دستیابی به سرمایه، فن‌آوری و امکان تداوم در این کشورهاست؛ روی آوردن به ترتیب‌های تجاری- منطقه‌ای و یکپارچگی‌های اقتصادی یکی از راه‌های مقابله با اثرات ناگهانی ورود به فرایندهای جهانی شدن است و اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را در مقابل رقابت جهانی حفظ می‌نماید (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳).

همچنین از این طریق مزیت رقابتی در بازارهای مختلف تقویت می‌شود و افزایش سرمایه‌گذاری در درون منطقه را به همراه می‌آورد و از طریق افزایش حجم مبادلات تجاری، رفاه اقتصادی را افزایش می‌دهد و مقدمات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. گسترش روز افزون سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، ادغام بازارهای مالی، ایجاد اتحادیه‌های پولی، آزادسازی و تبادل آسان‌تر کالاها و خدمات، نقل و انتقال سرمایه و ادغام شرکت‌های بزرگ تولیدی که از مظاهر جهانی شدن اقتصاد هستند، بر گسترش جریان‌های تجاری بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرگذارند (رفعت، ۱۳۸۶: ۳۰).

هدف اصلی این مقاله، ارزیابی تاثیر یکپارچگی اقتصادی و جهانی شدن بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود، که برای دستیابی به هدف مذکور بر مبنای ادبیات نظری مدل جاذبه و با بکارگیری روش اقتصادسنجی، معادله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دو گروه کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برآورد می‌شود. در این خصوص کشورهای مورد بررسی شامل عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر در گروه اول و در برآورد دوم؛ ایران نیز به آن افزوده شده است و توسط نرم افزار استتا با استفاده از داده‌های تابلویی طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۱ برآورد شده است. بنابراین ساختار مقاله به صورت زیر تقسیم بندی می‌شود: پس از مقدمه، ادبیات موضوع شامل نظریه یکپارچگی اقتصادی و نظریه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و پیشینه‌ی تحقیق در بخش دوم مرور می‌شود. سپس بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی، الگوی مناسبی برای بررسی تاثیر

یکپارچگی بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش سوم تصریح شده و نهایتاً این الگو برای کشورهای حوزه خلیج فارس و شورای همکاری خلیج فارس در بخش چهارم برآورد می‌گردد. بخش پایانی نیز به نتیجه گیری اختصاص دارد.

۲. پیشنهادی تحقیق

- مبانی نظری مدل جاذبه

مدل جاذبه اولین بار توسط تین برگن^۱ (۱۹۶۲) برای تحلیل جریان های تجاری بین المللی به کار برده شد. این مدل توسط لاینمن^۲ (۱۹۶۶)، آیتکن^۳ (۱۹۷۳) و بلوت و سیستمن^۴ (۱۹۶۸) توسعه یافت. مایس (۱۹۷۸)^۵ در مقاله ای تحقیقاتی درباره مدل هایی که اثرات یکپارچگی اقتصادی را بر تجارت بررسی می کنند، از مدل های جاذبه به عنوان ابزار اساسی که می توانند جریان های تجاری دو جانبه را توضیح دهند، یاد کرده است که پیچیده نیستند و می توانند جریان های تجاری دو جانبه را با متغیرهای توضیحی هر دو کشور طرف تجاری به طور همزمان توضیح دهند. جهت بررسی اثر یکپارچگی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از شاخص زیر که بر اساس مطالعات ایوان و همکاران (۲۰۰۶)^۶ به دست آمده، استفاده می‌گردد.

$$DI_i = \sqrt{DO_i DTC_i} \quad (1)$$

از آنجا که فرایند یکپارچگی با باز بودن اقتصادها آغاز می‌شود و دامنه اثرات و محدوده آن به ساختار و اندازه ارتباطات موجود میان این اقتصادها بستگی دارد بنابراین شاخص یکپارچگی حاصل از این دو متغیر شاخصی مناسب برای بررسی این ارتباط می‌باشد که این شاخص طی مراحل زیر به دست می‌آید و در آن X_{ij} بیانگر صادرات دو جانبه و Y_i و Y_j نشانگر تولید ناخالص داخلی در کشور میزبان و میهمان می‌باشد.

1 . Tin Bergen
2 . Linnemann
3 . Aitken
4 . Bluet & Systemmanns
5 . Mays

$$DTC_i = \frac{\sum_{j \in N} \alpha_{ij} \beta_{ij}}{\sqrt{\sum_{j \in N} (\alpha_{ij})^2} \sqrt{\sum_{j \in N} (\beta_{ij})^2}} \quad (2)$$

که در فرمول بالا مقادیر (B_{ij}, α_{ij}) به ترتیب از روابط $B_{ij} = \frac{Y_j}{\sum_{k \in N/i} Y_k}$, $\alpha_{ij} = \frac{X_j}{\sum_{k \in N} X_{kj}}$ به دست می‌آید. یکی دیگر از فرمول‌های مورد نیاز برای استفاده در شاخص یکپارچگی، درجه باز بودن می‌باشد که طی مراحل زیر حاصل می‌گردد.

$$DO_i = \frac{\sum_{j \in N} DO_{ij}}{\hat{Y}_i} = \frac{\sum_{j \in N} X_{ij}}{\hat{Y}_i} \quad (3)$$

که در این فرمول از تولید ناخالص داخلی و صادرات دوجانبه استفاده شده است که نحوه محاسبه \hat{Y}_i به صورت دو فرمول $(\hat{Y}_i = Y_i - a_i Y_i, a_i = Y_i / \sum_{j \in N} Y_j)$ محاسبه می‌گردد. با توجه به این که ابزارهایی که در منطقه گرای و یکپارچگی اقتصادی و منطقه ای به کار می‌روند مشابه ابزارهای فرایند جهانی شدن هستند و با توجه به آن که کشورها برای حضور در سازمان تجارت جهانی و کسب تجربه جهت جهانی شدن اقتصاد اقدام به برقراری یکپارچگی تجاری با سایر کشورها می‌نمایند در این مطالعه از شاخص جهانی شدن نیز جهت تحلیل جریان جذب FDI استفاده می‌گردد. طریقه محاسبه آن مطابق فرمول زیر است. سپس بعد از محاسبه، به جای یکپارچگی اقتصادی از شاخص جهانی شدن در فرمول تصریح شده مدل جاذبه استفاده می‌گردد.

$$DGI = \sum_{i \in N} a_i DI_i \quad (4)$$

نजारزاده و شقاقی (۱۳۸۳) به بررسی همگرایی منطقه ای و تأثیر آن بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای اسلامی عضو منا^۱ را بررسی کرده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان و میهمان به عنوان شاخص نشان دهنده اندازه اقتصادی کشورها اثر مثبت بر جریان سرمایه گذاری خارجی داشته‌اند. جمعیت کشورهای میهمان و میزبان اثر منفی بر جریانات دو طرفه سرمایه گذاری مستقیم خارجی

داشته است. همچنین متغیر مسافت نیز اثری منفی بر جذب سرمایه گذاری در کشورهای عضو منا به جا گذاشته است. مارتینز و بنگوا (۲۰۱۰)^۱ با استفاده از مدل جاذبه بین ۱۸ کشور اروپایی طی دوره‌ی زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۶ و با استفاده از ۲۳ بخش، یک شاخص یکپارچگی اقتصادی بر مبنای طبیعت انحراف خانگی را بوجود آوردند. نتایج مطالعه پیشنهاد می‌کند که از سال ۱۹۹۵ اثرات یکپارچگی منجر به کاهش اثرات مرزی بیش از ۵۰ درصد شده است. به طور ناباورانه در این پژوهش یکپارچگی اقتصادی کشورهای اروپایی اثری بر تخصیص منابع سرمایه گذاری خارجی نداشته است و علاوه بر این الگوی سرمایه گذاری خارجی با انگیزه های افقی و یا با تخصیص سرمایه دانش محور انجام می شود که نشان دهنده ی ویژگی های اقتصاد آمریکایی می باشد.

کابنی، مولدرز و نانن کمپ (۲۰۰۸)^۲ در مقاله ای با عنوان "یکپارچگی منطقه‌ای و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بازارهای نوظهور" بیان می‌کنند که اولاً عوامل مخصوص کشورها به عنوان نوسان در سرمایه گذاری مستقیم خارجی نسبت به یکپارچگی منطقه ای مهم‌تر بوده است. ثانیاً وزن سنگین منطقه ای کشورهای برزیل، چین، هند و آفریقای جنوبی یک نقش جزئی در بهبود یکپارچگی منطقه ای در طول جذب سرمایه گذاری خارجی داشته است. دی مایورو (۲۰۰۱)^۳، در مقاله خود به بررسی یکپارچگی اقتصادی بین اتحادیه اروپا با کشورهای اروپای شرقی و غربی (CEEC) و اثرات آن بر حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین این کشورها می پردازد. وی در این مطالعه، معادله جاذبه ای را با استفاده از داده های ۳۲ کشور اروپایی عضو اتحادیه طی دوره زمانی ۶ ساله (۹۷-۱۹۹۲) و برای ۹ بخش تولید کارخانه ای و خدماتی با استفاده از روش GLS و با به کارگیری روش اثرات ثابت زمانی برآورد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که اولاً، ضرایب متغیرهای مربوط به بخش های تولید کارخانه ای (مانند بخش ماشین آلات) همگی معنادار بوده و طبق اثر مثبت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بین کشورها داشته است، در حالی که متغیرهای بخش خدمات دارای علامت منفی هستند. ثانیاً، متغیرهای «فضای اقتصادی» و «میزان تشابه بین کشورها» نیز تأثیر مثبت بر جذب سرمایه های

1. Martinez & Bengoa
2. Kubny and et al
3. Di Mauro

فصلنامه مدلسازی اقتصادی (سال ششم، شماره ۳ «پایه ۱۹»، پاییز ۱۳۹۱)

خارجی داشته اند. همچنین متغیرهای «تفاوت در موجودی های عوامل نسبی» و «فاصله بین کشورها» نیز طبق انتظار نظریه تأثیر منفی بر حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی بین کشورهای EU و CEEC دارد.

- اهمیت استراتژیک منطقه ی خلیج فارس و کشورهای این حوزه

منطقه خلیج فارس به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در منطقه، در کانون توجه بوده است. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می کنند (صادقی، ۱۳۸۰، ۲). به علاوه، عمق کم این خلیج، امکان بهره برداری از منابع نفت هم چنین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می آورد و هزینه های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. اکتشاف نفت، باعث درآمیختن خلیج فارس با اقتصاد جهانی شده، به ویژه آن که استخراج نفت از این منطقه، بسیار به صرفه تر از دیگر مناطق جهان برآورد می شود. علاوه بر این ها مشکلات ساختاری از قبیل عدم یکپارچگی و نیز ضعف ساختاری کشورهای منطقه و وابستگی آن ها به کشورهای قدرتمند خارج از منطقه، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست های بین المللی منطقه در قبال کشورهای دیگر، فعال نبودن مشارکت دولت ها در تأمین امنیت منطقه، وجود اختلافات مذهبی شدید، بی اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست های دولت های دیگر، دخالت عامل بیگانه و... در طول سالیان منجر شده است که کشورهای منطقه هیچ گاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس درصدد پیش برد وضعیت امنیتی و نیز پیگیری منافع و اهداف خود با اتکا به نیرو و توان ملی بدون دخالت بیگانگان به مقاصد خود نائل شوند. وجود فضای بی اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان های منطقه ای، زمینه همکاری دوجانبه و یا چند جانبه میان دولت ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان می برد. به همین دلیل حرکت به سوی یکپارچگی های اقتصادی و سیاسی در جهت نیل به اهداف توسعه ای و بررسی اثرات این یکپارچگی ها بسیار مورد توجه کشورهای منطقه می باشد.

۳. مدل تجربی تحقیق

به منظور بررسی اثرات یکپارچگی اقتصادی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی دو جانبه کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و شورای همکاری خلیج فارس، از الگوی جاذبه تعمیم یافته استفاده شد که به صورت زیر معرفی می شود:

$$LnFDijt = \alpha + \beta_1 \ln Y_j + \beta_2 \ln POP_j + \beta_3 \ln Dist_{ij} + \beta_4 \ln DI_{ij} \quad (5)$$

FDI_{ijt} : موجودی FDI، Y_j : درآمد کشورهای j ، POP_j : جمعیت کشور j ، $Dist_{ij}$: فاصله بین کشورهای i و j ، DI_{ij} : شاخص یکپارچگی بین کشور i و j را نشان می دهد. همچنین همان طور که در ادبیات تحقیق ذکر شد، جهت بررسی اثر یکپارچگی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شاخص استفاده شده در مطالعات ایوان و همکاران (۲۰۰۶)^۱، استفاده می‌گردد.

$$LnFDijt = \alpha + \beta_1 \ln Y_j + \beta_2 \ln POP_j + \beta_3 \ln Dist_{ij} + \beta_4 \ln DGI \quad \text{باتوجه به نتایج}$$

مدل علیت گرنجر و عدم معناداری اثرگذاری FDI بر تولید سرانه بر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، مدل رگرسیونی به صورت یک طرفه آورده شده است.

۴. نتایج الگو

برای برآورد مدل جاذبه سرمایه گذاری مستقیم خارجی، کشورهای عضو بلوک شورای همکاری خلیج فارس و حوزه‌ی خلیج فارس در نظر گرفته شد. مدل یاد شده برگرفته از مقاله نجارزاده و شقاقی (۱۳۸۵) است. نویسندگان مقاله، جهت اندازه گیری حجم FDI دو جانبه از نسبت کل FDI کشور میزبان سرمایه گذاری به میزان واردات این کشور از کشور مبدا سرمایه گذاری استفاده نموده‌اند.

$$FDI_{ijt} = (M_{jit} / M_{jt}) FDI_{jt} \quad (7)$$

1. Ivan and et all.

فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی (سال ششم، شماره ۳ «پیاپی ۱۹»، پاییز ۱۳۹۱)

FDI_{ijt} سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشور i در کشور j در سال t ، FDI_{it} حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشور j در سال t ، M_{ijt} حجم واردات کشور j از کشور i در سال t ، M_{jit} کل واردات کشور j در سال t را نشان می‌دهد. قبل از برآورد مدل، لازم است تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. برای انتخاب این که در تخمین مدل از روش تلفیقی یا داده های تابلویی استفاده شود، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود و همان گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد مقدار آماره F لیمر احتمال آن، صفر به دست آمده است که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر این که داده ها به صورت تلفیقی هستند به نفع فرضیه مقابل یعنی وجود قابلیت در روش داده های تابلویی رد می‌شود. اکثر آمار و اطلاعات این مقاله از سایت بانک جهانی و سی دی PCC-TAS استخراج شده است و برای دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۸ می‌باشد.

۴-۱. نتایج حاصل از برآورد الگوها در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه‌های مطالعه مبتنی بر تأثیر متغیرهای یکپارچگی اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، جمعیت، فاصله جغرافیایی و آزادسازی اقتصادی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، مدل در ۶ حالت برای گروه کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، قطر و کویت) تصریح گردید و نتایج زیر به دست آمده که در جدول ۱ گزارش شده است.

بر اساس نتایج بدست آمده ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه برای هر ۶ الگو مثبت است. بدین معنا که تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه از جمله عواملی است که بر جذب سرمایه گذاری مستقیم اثرگذار است. با ورود متغیر همگرایی به مدل (الگوی دوم) ضریب تخمینی زده شده برای تولید ناخالص داخلی سرانه از $27/2$ به $33/3$ افزایش یافته است. بنابراین در نظر گرفتن متغیر همگرایی، نقش تولید ناخالص داخلی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی پررنگ تر می‌شود. در الگوهای دیگر این ضریب بین ۲ تا ۳ تغییر می‌کند و به همین ترتیب می‌توان اثر متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را تحلیل کرد. تأثیر واقعی جمعیت بر تجارت، نامشخص و علامت ضریب آن در معادله جریان تجاری نامعین است. در برآوردهای این پژوهش اثر

جمعیت بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی مستقیم است. بدین معنا که در تمامی ۶ الگو افزایش جمعیت منجر به افزایش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی می‌شود. دلیل این مساله این است که اقتصاد با مقیاس بزرگ تر شرایط بهتری را برای سرمایه گذاران خارجی فراهم می‌کند. زیرا اولاً اندازه بازار در میزان جذب FDI با جهت گیری بازار داخلی و بخش های غیر تجاری به ویژه بخش خدمات، بسیار موثر است و ثانیاً اقتصاد با اندازه بزرگ نه تنها پشتیبان فعالیت های اقتصادی است، بلکه فرصت های بیشتری را برای تنوع تولید در اقتصاد فراهم می‌آورد. ضریب آزادسازی در تمامی الگوهای برآورد شده مثبت و معنادار است. بزرگترین ضریب به دست آمده متعلق به متغیر DGI_{ij} و معادل ۳/۵۶ است. به این ترتیب در این منطقه جغرافیایی نیز اثر متغیر جهانی شدن به مراتب از سایر متغیرهای آزادسازی به جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر بوده است. آماره‌ی بر اساس نتیجه آزمون F، مدل باید به روش پانل برآورد شود. هاسمن نیز بجز در مدل با متغیر همگرایی اقتصادی اثرات تصادفی را رد کرده و اثرات ثابت برای مدل را تایید می‌کند.

۴-۲. نتایج حاصل از برآورد الگوها در گروه کشورهای حوزه خلیج فارس

به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه‌های مقاله مبنی بر تأثیر متغیرهای یکپارچگی اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، جمعیت، فاصله جغرافیایی و آزادسازی اقتصادی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، الگو در ۶ حالت برای بلوک خلیج فارس (ایران، امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، قطر و کویت) تصریح گردید که پس از برآورد آنها در جدول ۲ ارائه شده‌اند. براین اساس، ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه برای هر ۶ الگو مثبت و معنادار است. این موضوع نشان می‌دهد که متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه از جمله عواملی است که بر جذب سرمایه گذاری مستقیم اثر گذار است.

فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی (سال ششم، شماره ۳ «پیاپی ۱۹»، پاییز ۱۳۹۱)

جدول ۱. نتایج حاصل از برآورد الگو در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

متغیرهای توضیحی	الگوی FDI با متغیر DO	الگوی FDI با متغیر DTC	الگوی FDI با متغیر DI	الگوی FDI با متغیر DGO	الگوی FDI با متغیر DGTC	الگوی FDI با متغیر DGI
عرض از مبدا	۹/۰۵۱۵ (-۴/۳۸)	۱۴/۹۰۵۵ (-۰/۰۵)	۱۴/۱۹۶ (-۵/۶۷)	-۸/۱۲۸۲۰ (-۳/۰۶)	-۵/۸۷۹۵ (-۲/۱۲)	۱۹/۳۹۶۰ (-۴/۶۱)
lnGdpj	۲/۲۷۹۴ (۱۰/۰۸)	۳/۳۳۰۶ (۱۱/۷۲)	۳/۰۰۷۷ (۱۱/۷۰)	۲/۲۱۰۱۵ (۸/۴۶)	۲/۳۶۲۹ (۸/۹۴)	۲/۴۸۰۵ (۹/۸۶)
lnpopj	۱/۳۱۱۱ (۵/۸۶)	۱/۱۸۱۴ (۴/۷۴)	۱/۲۳۵۴ (۵/۱۴)	۰/۹۹۳۳ (۳/۸۹)	۱/۱۱۱۱۸ (۴/۲۷)	۱/۲۱۸۶ (۴/۹۲)
lnDistij	-۰/۳۰۴۴۵ (-۲/۱۶)	-۰/۴۸۵۷۰ (-۱/۷۱)	-۲۲۱۳۰ (-۱/۸۲)	-۰/۲۷۷۳۸ (-۲/۹۷)	-۰/۲۴۳۴ (-۱/۸۳)	-۰/۱۷۷۵۲ (-۲/۶۴)
lnDo _{ij}	۰/۹۱۴۶۵ (۷/۵۷)					
lnDTCij		۰/۶۲۲۳۲ (۶/۹۲)				
lnDIij			۰/۸۸۶۵ (۷/۸۲)			
lnDGOij				۱/۱۲۶۳ (۳/۳۲)		
lnDGTCij					۰/۳۹۰۱۵ (۱/۴۷)	
lnDGIij						۳/۵۶۳۱ (۴/۴۰)
R ²	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۴۶
χ ²	۲۲۲/۰۶ (۰/۰۰)	۲۳۳/۳۳ (۰/۰۰)	۲۳۳/۵۲ (۰/۰۰)	۲۲۰/۶۹ (۰/۰۰)	۱۸۵/۳۸ (۰/۰۰)	۲۹۷/۶۳ (۰/۰۰)
F _{leamer}	۸۲/۲۹ [۰/۰۰]	۷۸/۵۹ [۰/۰۰]	۸۰/۱۱ [۰/۰۰]	۸۵/۶۸ [۰/۰۰]	۷۳/۲۷ [۰/۰۰]	۱۲۲/۱۳ [۰/۰۰]
H _{hausman}	۶/۵۲ [۰/۰۸]	۴/۱۷ [۰/۱۲]	۳۱/۷۱ [۰/۰۰]	۱۵/۴۲ [۰/۰۰]	۱۵/۱۵ [۰/۰۰]	۳۱/۹۹ [۰/۰۰]
χ ² _{LR}	۲۳۰/۲۰ [۰/۰۰]	۱۸۸/۹۶ [۰/۰۰]	۲۱۲/۷۰ [۰/۰۰]	۱۴۴/۷۴ [۰/۰۰]	۱۲۸/۴۲ [۰/۰۰]	۱۶۰/۱۴ [۰/۰۰]

منبع: یافته‌های تحقیق در جدول فوق اعداد داخل براکت سطح احتمال می باشد.

با در نظر گرفتن متغیر همگرایی، نقش تولید ناخالص داخلی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی پر رنگ تر می‌شود. اما دامنه تغییر این ضریب بسیار اندک است و در همه الگوها تأثیر مشابهی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی استنباط می‌شود. تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر جایگزینی برای اندازه اقتصاد و ظرفیت های اقتصادی کشور در نظر گرفته می‌شود. این متغیر موقعیت کشور را از لحاظ توسعه یافتگی تقاضا برای کالا و خدمات در آن کشور نشان می‌دهد. در واقع با افزایش تولید ناخالص داخلی، توانایی کشور برای جذب و تولید محصولات بیشتر می‌شود. یعنی عرضه و تقاضا برای تجارت بین دو کشور بیشتر می‌گردد. به عبارت دیگر تولید ناخالص داخلی اثر مثبت بر جریان های تجاری دو جانبه دارد. اثر جمعیت بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی مستقیم، مثبت است. هر چه کشورها از یکدیگر دورتر باشند، ورود و خروج سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمتر است و در نهایت ورود متغیر مجازی زبان مشترک در اکثر موارد بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیر گذار بوده است. در واقع تفاوت های فرهنگی اثرات منفی بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در گروه کشورهای حوزه خلیج فارس داشته است.

همان‌گونه که بیان شد، ضرایب مربوط به هر کدام از متغیرهای مذکور در حالت جهانی شدن نیز برآورد شده است. همه ضرایب مطابق انتظار هستند. ضریب در تولید ناخالص ملی سرانه برای هر سه الگو مثبت و در فاصله ۲ تا ۳ قرار دارد. باید توجه داشت که تمامی ضرایب به غیر از ضرایب مربوط به متغیر مسافت کاملاً معنادار هستند. در مطالعات تجربی مساله‌ی تفاوت در موقعیت جغرافیایی کشورها با شاخص فاصله قابل بررسی است. فاصله بر هزینه‌ی حمل و نقل اثر مثبت دارد، بنابراین اگر ماهیت FDI، سرمایه گذاری با جهت گیری بازار باشد، اثر آن بر جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی مثبت و اگر ماهیت FDI، سرمایه گذاری با جهت گیری صادرات باشد، اثر فاصله بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی منفی است.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد الگوها در گروه کشورهای حوزه خلیج فارس

متغیرهای توضیحی	الگوی FDI با متغیر DO	الگوی FDI با متغیر DTC	الگوی FDI با متغیر DI	الگوی FDI با متغیر DGO	الگوی FDI با متغیر DGTC	الگوی FDI با متغیر DGI
عرض از مبدا	-۱۳/۰۷ (-۱/۶۶)	۴/۳۷ (۰/۴۷)	-۱۴/۵۲ (-۱/۹۱)	-۴/۹۷ (-۲/۸۸)	-۴/۴۷ (-۱/۶۷)	-۹/۲۱ (-۳/۲۴)
lnGDP _{ij}	۲/۸۳ (۹/۱۹)	۳/۱۰ (۸/۴۶)	۲/۶۲ (۹/۰۶)	۲/۰۹ (۷/۸۳)	۳/۱۱ (۸/۵۶)	۱/۹۹ (۷/۴۱)
lnPOP _{ij}	۱/۷۱ (۵/۶۳)	۱/۸۷ (۴/۹۷)	۱/۶۴ (۵/۵۹)	۱/۸۰ (۴/۸۷)	۱/۸۸ (۴/۹۹)	-۰/۳۷ (۱/۵۱)
lnDist _{ij}	-۰/۱۸ (-۰/۵۲)	-۰/۶۱ (-۱/۴۹)	-۰/۲۶ (-۰/۷۷)	-۵/۰۵ (-۰/۷۹)	-۰/۶۱ (-۱/۴۹)	-۰/۵۸ (-۱/۹)
Dum	-۲/۴۲ (-۴/۴۹)	-۰/۴۰ (-۱/۷۱)	-۲/۶۸ (-۵/۰۵)	-۰/۱ (-۰/۲۲)	-۰/۰۴ (-۰/۰۸)	-۰/۱۷۷۵۲ (-۰/۶۴)
lnDO _{ij}	۱/۳۳ (۷/۱۴)					
lnDTC _{ij}		۰/۶۲۲۳۲ (۶/۹۲)				
lnDI _{ij}			۲/۹۶ (۷/۸۲)			
lnDGO _{ij}				۰/۸۹ (۱/۹۸)		
lnDGTC _{ij}					۰/۴۳ (۰/۳۴)	
lnDGI _{ij}						۲/۹۴ (۳/۴۴)
R ²	۶۵/۴۵	۴۵/۱۲	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۴۹
χ ²	۱۷۷/۷۵ [۰/۰۰]	۱۷۷/۴۰ [۰/۰۰]	۱۹۳/۶۳ [۰/۰۰]	۱۸۴/۲۷ [۰/۰۰]	۱۷۷/۶۴ [۰/۰۰]	۲۳۵/۰۸ [۰/۰۰]
F _{leamer}	۲۴/۸۰ [۰/۰۰]	۳ [۰/۵۵]	۹۸/۱۵ [۰/۰۰]	۴۶/۲۹ [۰/۰۰]	۲/۹۴ [۰/۰۰]	۳۰/۱ [۰/۰۰]
H _{hausman}	۲۳۷/۸۴ [۰/۰۰]	۱۲۱/۹۹ [۰/۰۰]	۱۲/۷ [۰/۰۱]	۵/۴۶ [۰/۱۴]	۱۷/۵۹ [۰/۰۰]	۱۷/۹۸ [۰/۰۰]
χ ² _{LR}	-۱۳/۰۷ [۰/۰۹]	۴/۳۷ [۰/۰۰]	۲۶۱/۳۰ [۰/۰۰]	۱۳۰/۶۵ [۰/۰۰]	۱۳۸/۰۲ [۰/۰۰]	۱۶۰/۷۶ [۰/۰۰]

منبع: یافته‌های تحقیق در جدول فوق اعداد داخل براکت سطح احتمال می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهمترین متغیرهای تاثیر گذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حوزه‌های مورد مطالعه، تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیرهای آزادسازی اقتصادی هستند. این مساله اهمیت توجه به بالا بردن توان تولیدی و توان رقابتی کشور را در عرصه تجارت بین‌المللی نشان می‌دهد. با توجه به اثر مثبت متغیرهای آزادسازی، باید بدنبال آزادسازی‌های بیشتر در اقتصاد داخلی خود باشند و با جذب موانع موجود زمینه‌ی لازم جهت بهره‌مندی وجه بیشتر از سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم نمایند. هدف این مقاله ارزیابی تاثیر یکپارچگی اقتصادی و جهانی بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود، نتایج نشان داد که یکپارچگی‌ها و ادغام‌های مختلف سبب افزایش انگیزه در سطح سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو می‌گردد. یکی از نتایج تحقیق که تمایز بین دو بلوک شورای همکاری خلیج فارس (بدون حضور ایران) و گروه کشورهای حوزه خلیج فارس (با وجود ایران) می‌باشد، نشان می‌دهد تفاوت‌های فرهنگی و زبانی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی اثر منفی گذارده است و مهمترین پیشنهاد سیاستی حرکت در جهت بالابردن اشتراک‌های فرهنگی بین ایران با کشورهای عضو می‌باشد تا بتوان از فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این گروه کشورها استفاده کند. یکی از خصوصیات موثر مشترک میان یکپارچگی‌های اقتصادی و جهانی شدن، ایجاد فضای رقابتی است که میان کشورهای همگرا شده حاصل می‌شود و منجر به ماندگاری اقتصادهایی می‌شود که از قدرت اقتصادی و رقابتی بالاتری برخوردار باشند. این رقابت در بحث جهانی شدن شدیدتر بوده و اهمیت زیاد دارد، در حالی که درون یک منطقه به واسطه شرکای کم‌تر، از فشردگی پایین‌تری برخوردار است و از آنجا که پیوستن به دهکده جهانی امری اجتناب‌ناپذیر است، یکپارچگی می‌تواند محکی برای اقتصادهای ضعیف‌تر باشد تا قدرت اقتصادی، توان تجاری و مزیت رقابتی خود را برای مقیاس وسیع‌تری همچون اقتصاد جهانی آزمایش نمایند و زمینه را برای حضور خود در بازارهای جهانی فراهم آورند.

منابع

- داوودی، پرویز و شاهمرادی، اکبر (۱۳۸۳). بازشناسی عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چهارچوب یک الگوی تلفیقی. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۳ (۲۰): ۱۲۰-۱۱۳.
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۴). شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری. فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۰ (۱۲): ۳۵-۴۵.
- شمس الدین، صادقی (۱۳۸۰). نقش منافع ژئوپلیتیکی ممالک نافذ خارجی در برخورد با مسایل خلیج فارس. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۸ (۲): ۱۲۵-۱۱۶.
- طاهری، صالح (۱۳۸۲). اثرات ایجاد همگرایی اقتصادی بین ایران و اتحادیه های اقتصادی. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
- کریمی هسنیجه، حسین (۱۳۸۲). جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی و مناسب ترین ترتیبات تجاری منطقه ای برای اقتصاد ایران (فرصتها و چالشها). پایان نامه دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده های ژئوپولوتیک و واقعیت های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده. نشرنی، تهران.
- نجارزاده، رضا و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۵). همگرایی منطقه ای و تاثیر آن بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی عضو منا). مجله تحقیقات اقتصادی، ۵ (۷۲): ۳۶۲-۳۳۷.
- آذربایجانی، کریم (۱۳۸۱). جهانی شدن، همگرایی اقتصادی- منطقه ای و تاثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری های قفقاز. مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۲ (۶۱): ۱۶۹-۱۴۹.
- Bengoa, M. (2010). Integration effects and trade barriers: Does european economic integration affect foreign direct investment? Working Paper.
- Bergstrand, J. H. (1986). The generalized gravity equation, monopolistic competition, and the factor-proportions theory in international trade. *Review of Economics and Statistics*, 71(3):143-153.
- Daude, C., & E. Stein, E. L. Yeyati. (2003). Regional integration and the location of FDI. Inter-American Development Bank. Working Paper.
- Deardorff, Alan V. (1995). Determinants of bilateral trade: Does gravity work in a neoclassical world? NBER Working Paper, Cambridge Mass. National Bureau of Economic Research.
- Harris. M. N., & Matyas, L. (1998). The econometrics of gravity models. Melbourne Institute Working Paper, 98(5).

- Helpman E., & Krugman P. (1981). Market structure and foreign trade, MIT press, Cambridge.
- Ivan & Francisco, P., & Instituto, E. (2006). Measuring international economic integration: Theory and evidence of globalization, *Investigationes Economics*, 10(24):449-464.
- Kalbasi, H. (2001). The gravity model and global trade flows. *Policy Modeling for European and Global Issues*.1 (10):263-290.
- Kubny, J., & Mölders, F., & Nunnenkamp, P. (2008). Regional integration and FDI in emerging markets. Working Paper, 141(8).
- Poyhonen, P. (1963). A tentative model for the volume of trade between countries. *Empirical Economics*, 90(2): 93-99.
- Tayebi, S. K. and A. Hortamani (2006). The impact of trade integration on FDI flows: Evidence from EU and ASEAN+3. Working Paper.
- Tinbergen, J. (1962). The world economy. *Suggestions for an International Economic Policy*. 3(28):109-116.
- www.data.worldbank.org.
- www.timeanddate.com.
- www.unctad.org.